

خبرها

اجرای لیلی افشار در تالار وحدت

ایسنا : لیلی افشار نوازنده گیتار کلاسیک ۱۲ و ۱۳ مردادماه در تالار وحدت به اجرای برنامه می‌پردازد.
مدیر برنامه‌های افشار اعلام کرد: این برنامه با همکاری موسسه فرهنگی هنری «ماهور» انجام می‌شود.
افشار همچنین روز یکشنبه اول مردادماه ساعت ۱۸ در خانه هنرمندان ایران سخنرانی ای با موضوع «نگاهی اجمالی به تاریخ گیتار کلاسیک از دوره زنسانس تا عصر حاضر» خواهد داشت.

□

کارشناسی ارشد موسیقی در دانشگاه تهران خیرگزاری میراث فرهنگی : چهار رشته موسیقی در مقطع کارشناسی ارشد از سال آینده در دانشگاه تهران فعال می شوند.
چند سالی است که دانشگاه هنر مقطع کارشناسی ارشد در رشته‌های مختلف راه‌اندازی می‌کند. اما دانشگاه تهران از آن زمان تا به حال مشغول بررسی و تبیین نظام برنامه ریزی درسی برای ارائه دروس و سیستم آموزشی در این مقطع است.
مقطع کارشناسی ارشد رشته های نوازندگی موسیقی کلاسیک ، اجرای موسیقی ایران ، اتنوموزیکولوژی و آهنگسازی از آغاز سال تحصیلی ۸۶ در دانشکده پردیس هنرهای زیبا راه‌اندازی می‌شود.
ایجاد فضایی برای تعامل دانشجویان با دانشگاه‌های خارج از ایران و اعمال معیارهای استاندارد بین‌المللی از اهدافی است که در برنامه‌ریزی درسی این رشته‌های درسی در نظر گرفته شده‌است.
هنر بیان و شیوه خاص نوازندگی از موارد دیگری است که در این حوزه مورد توجه قرار گرفته است.

□

انتشار قدیمی‌ترین رساله موسیقی جهان اسلام

خبرگزاری فارس : قدیمی‌ترین رساله موسیقی جهان اسلام با عنوان «الرساله الشرعیه فی النسب التالیفیه» تألیف «صفی‌الدین ارموی» به همت «بابک خزائی» ترجمه و توسط فرهنگستان هنر به بازار کتاب عرضه می‌شود.
«بابک خزائی» مترجم این رساله در گفت‌وگو با خبرنگار فارس با اعلام این خبر گفت : کتاب «الرساله الشرعیه فی النسب التالیفیه» که «صفی‌الدین ارموی» در حدود سال ۶۶۶ ه ق تألیف کرده‌است را می‌توان در کنار رسائل «کندی»، «فارابی» و «ابن زیله» از مهم‌ترین رسالات موسیقی جهان اسلام دانست.
این کتاب به همراه دیگر تألیف صفی‌الدین «کتاب‌الادوار» از رسالات بنیادی مکتب منظمه «سیستماتیک» و مرجع بسیاری از رسالات بصری است و نام «صاحب‌شرعیه» را برای مولف خود جادوان کرده‌است.

این کتاب برخلاف «کتاب‌الادوار» که بارها ترجمه و شرح داده شده‌هیچ‌گاه به طور کامل به زبان فارسی ترجمه نشده‌است.
هرچند در رسالاتی چون بخش موسیقی دره‌التاج و نیز کتاب جامع الاحلحان مراعی مطالبی از آن نقل شده‌است، اما برای نخستین‌بار است که این‌کتاب به‌طور کامل به زبان فارسی ترجمه می‌شود.
وی ادامه داد : هرچند که این رساله حدود ۷۰ سال پیش به زبان فرانسه ترجمه شده‌اما در ترجمه فارسی این کتاب کوشش شده تا این کتاب به زبان فارسی ساده برگردانده شود تا دانشجویان و پژوهشگران به راحتی بتوانند از آن استفاده کنند.
با این حال در ترجمه‌اثری متعلق به ۷۵۰ سال پیش نمی‌توان هر واژه‌ای را به کار برد.
ترجمه اصطلاحات خاص نیز شاید صحیح نباشد.
بنابراین سعی کرده‌ام از واژگان و اصطلاحات رسالات موسیقی فارسی قرن‌های هفتم و هشتم مانند موسیقی دره‌التاج و جامع الاحلحان استفاده کنم.
اما از آنجا که سادگی زبان بسیار مورد نظر بوده، چند واژه معدود نیز در ترجمه به کار رفته که شاید در گذشته چندان مرسوم نبوده‌است.
این مترجم درخصوص جایگاه ترجمه و بازخوانی این رسالات در موسیقی امروز اظهار داشت : این رسالات بخشی از فرهنگ موسیقایی گذشته هستند و جمع‌آوری، حفاظت و تصحیح، ترجمه و انتشار آنها پیش از هر چیز یک اقدام لازم‌فرهنگی است و نباید از همان ابتدا تنها به فکر استفاده برای موسیقی امروز بود.
شاید برخی نام‌ها و نظام‌های موسیقی امروز با آنچه در رسالات کهن آمده شباهت‌هایی داشته باشد اما هرگونه داوری و مقایسه باید با دقت و حوصله و در اختیار داشتن منابع بیشتر صورت گیرد.
با این حال ممکن است برخی مطالب که در این رساله‌ها آمده برای موسیقیدان امروز الهام بخش باشد.
«خزائی» در خاتمه خاطرنشان کرد : کار ترجمه قدیمی‌ترین رساله موسیقی جهان اسلام با عنوان «الرساله الشرعیه فی النسب التالیفیه» تألیف «صفی‌الدین ارموی» هم‌اکنون به پایان رسیده و به‌زودی توسط فرهنگستان هنر به بازار کتاب عرضه می‌شود.

□

کنسرت‌های بزرگ موسیقی کلاسیک بر روی پرده



مهر: نمایش اجراهای زیبا و به‌یادماندنی از کنسرت‌های بزرگ موسیقی کلاسیک در سالن نمایش کوچک حوزه هنری به زودی آغاز می‌شود.
با افتتاح مجدد سالن نمایش کوچک از تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۸۵ و با توجه به برنامه‌ریزی‌ها و کاربری‌های جدید سالن نمایش کوچک، روزهای دوشنبه، چهارشنبه و پنجشنبه هر هفته در دو نوبت، اجراهایی از ارکسترهای بزرگ موسیقی کلاسیک به نمایش درخواهد آمد.
نمایش سمفونی شماره یک بتهوون نخستین برنامه نمایش کنسرت‌های بزرگ موسیقی کلاسیک است که روز چهارشنبه ۴ مرداد ۱۳۸۵ ساعت ۱۶ در سالن کوچک حوزه هنری به نمایش درمی‌آید.
همین اجرا روز پنجشنبه ۵ مرداد ۱۳۸۵ ساعت ۱۸ در همان سالن به نمایش درمی‌آید.

نگاهی به تحریر در آواز ایرانی

انتقال رازهای ناگفتنی

علی شیرازی

علی شیرازی در حال اجرای آواز ایرانی

تحریر یکی از مهم‌ترین ارکان آواز ایرانی و همچنین از متعلقات انحصاری این هنر ملی ما است. به علاوه آواز ایرانی یکی از معدود آوازهای دنیا است که خواننده در آن به بداهه‌خوانی می‌پردازد. در هنر غریقال پیش‌بینی و خلق‌الساعه بداهه‌خوانی تحریر یکی از رکن‌های مهم کار آوازخوان به‌شمار می‌رود.

اما به راستی مفهوم تحریر چیست و چرا و چگونه به همراه سایر ادوات و متعلقات آواز سنتی روز به روز بیشتر به حاشیه رانده می‌شود؟
ساختن آواز ایرانی بر دو اساس بنا شده‌است : شعر شامل ملودی کلامی یا کلام ملودیک و تحریر (ملودی بی‌کلام). طبیعی‌است که وزن کلی آواز تابعی از وزن شعری و بحور عروضی است که در مورد هر شعری مختص همان سروده است؛ البته به ضرورت اجرای آوازی هر خواننده به سلیقه خود متر آوازی مشخصی را برمی‌گزیند و زبنت‌ها و ظرایف و دقایقی را به آن می‌افزاید. بر همین منوال وزن تحریر نیز تابعی از وزن شعر در حال اجرا خواهد بود. اگر هنر آواز ایرانی را به نقاشی تشبیه کنیم، شعر در خدمت بیان مفهومی به مثابه زمینه و مضمون اصلی نقاشی عمل می‌کند و تحریر مانند رنگ‌آمیزی در خدمت تکمیل فضای اثر قرار می‌گیرد.
نظیر این نسبت در تکلم انسان نیز برقرار است. در رکن مهمی که انسان آنها را هنگام صحبت کردن به کار می‌برد نخست انتخاب کلمات مناسب و در مرحله مهم‌تر گزینش لحن و موسیقی مخصوص به همراه حالت‌های ویژه میمیک صورت و سایر اعضای بدن است که به آن «زبان بدن» گفته می‌شود. مجموعه اینها در خدمت بیان منظور و مفهومی است که قرار است گوینده آن را به دیگران منتقل کند. در حقیقت اهمیت کفه مربوط به لحن و شیوه بیان در سخن گفتن آتقدّر سنگین‌تر است که حواس شنونده بیشتر معطوف به آهنگ بیان کلمات گوینده می‌شود تا خود کلمات. اما در هنر آواز ایرانی، خواننده ضمن حفظ کلام و ادای لحن مربوط به آن زبان بدن را از حالت بیرونی به درونی تبدیل می‌کند. یعنی می‌کوشد تا با افزودن ظرافت‌های آوایی بی‌کلام و استفاده از شهود، دریافت‌های خود از شعر را در تحریرهای آواز متبلور کند.

□

دکتر حسن انوری در فرهنگ روز سخن تحریر یا چهچهه را به معنای آواز خواندن پرندگان به ویژه بلبل و در موسیقی ایرانی غلغله‌اندن آواز در گلو می‌داند. مهدی ستایشگر نیز در واژه‌نامه موسیقی ایران‌زمین تحریر را غلغله دادن و کشش در آواز معنی می‌کند و می‌نویسد : «تحریر در موسیقی ایران دارای معیار است و تلاطم زمان تحریر دلیل صحت آواز و ترجیح خواننده نیست. در آواز ایرانی، تحریر گاهی به صورت بم یا تودماغی ادا می‌شود. معمولاً دهان در موقع حذف مصوت کلام و شعری بسته است. . . تحریر گاهی با کلماتی مانند کاه، ای دل، دلم و امان ادا می‌شود. . . لیکن برخی را عقیده بر این بوده و هست که تحریر نباید با کلام همراه باشد. از جمله مرحوم محمود کریمی به تبع بعضی استادان به شاگردان سفارش می‌کرد که تحریر را با مصوت شروع کنند و از ادای کلماتی نظیر ای دل، ای خدا و عزیز بپرهیزند.

□

تحریر بیش از هر چیز رازی است سر به مهر که هرکسی می‌تواند از لحن آوای مجری آن برداشت خاص خود را بکند و

حضور قافله‌سالار

ماهیار تمسکتی

تعریف شده در تربیت بداهه پردازنده در بخش اول شاگردان هگمی بدون استثنا استاد خود را کپی و تکرار می‌کنند، به‌طور مثال شاگردان نسل گذشته که در سرچشمه‌های تمدن موسیقی ایرانی پیوند خورده، محمدرضا لطفی است. منابعی چون علی اکبرخان شهنازی، نورعلی خان برومند، عبدالله دوامی، سعید هرمزی و . . . هر یک به تنهایی اقیانوسی از علم و معرفت موسیقی در وجودشان موج می‌زد که هر آینه بر ساحل این بحر موج می‌نشست، تورا با خود به ژرفنای پرده، باشد که کجا سربرآورد!!

فی‌المثل اسماعیل قهرمانی شاگرد میرزاعبدالله نقل می‌کند علی اکبرخان شهنازی در همان دوران کودکی بهترین نمونه پدرش (آقاحسن قلی) بوده در فضایی که علی اکبرخان هنر گرفته همواره الحان موسیقی به گوش می‌رسیده که مهلم از آیند و روند شاگردان پدرش و سایر اهل خانواده مثل عمویش میرزاعبدالله و دامادهاشان باقرخان کمانچه‌کش و آقا‌زاسخان تارزن به منزل آنها بود. جامعه موسیقی نسل قدیم تنها راه ارتباطش با موسیقی ای که از طریق استادان حاضر به شناسنامه و رفرنس موسیقی ایران است، توسل به نسل موسیقیدانان اوایل دهه ۵۰ به بعد است که ایشان با آن استادان محشور بوده و از اندوخته‌ها و دانش آنها استفاده کرده‌اند. همچنین آثار مصوت به جامانده از آنها البته این مورد اگرچه فوق‌العاده و منبع شنیداری بی‌نظیری است اما کافی و کاربردی نیست چه، این تجربه نگاه و بیشش آن استادان است که باید منتقل بشود، اصولاً هنرهای شرقی که دارای فرهنگ شفاهی و سینه‌به سینه هستند، این طورند. یعنی آن خویشش خویش استاد را می‌بایست درک و با آن زندگی کرد، که شاه‌وَد آن تمامت اندیشه، اصالت، منش، تجلیات معنوی، تاریخی ادبی، احساسی، ماهیت و وجود استاد است. استادان نسل قدیم این مهم را در تربیت شاگرد به خوبی انجام دادند به‌طوری‌که شاگردان آنها موسیقی دانان قبولی رسیدند، اما این ادامه پیدا نکرد، الا مواردی معدود. . .

اینجا دو بحث در آموزش نسل جدید پیش می‌آید، اول پدیده‌ای در موسیقی ایرانی که منتج به تکرار مکررات شده دیگر آنکه آموزش به شیوه کارگاهی و شفاهی با خروجی قابل ملاحظه‌ای مواجه نبوده و موسیقیدان تأثیرگذاری تربیت‌نشد است و اکثراً مجری یا محقق بارآمده‌اند و فاقد خلاقیت‌های

موسیقی



دل از پی نظر آید به سوی گلشن چشم»(حافظ)

□

تحریر به جز آواز از متعلقات تصنیف ایرانی نیز به‌شمار می‌رود. منتها در این قطعه کلامی پرطرفدار و ریتمیک، تحریرها به تبع حس و حال و مفهوم کلمات و سُر‌ضرب‌ها، رنگ‌آمیزی و گونه‌گونی خاص خود را می‌یابد.
گاه خوانندگانی در میانه تصنیف به اجرای تحریرهای آوازی بی‌کلام و با کلام– فارغ از شعر تصنیف و ترانه– بر زمینه صدای ارکستر می‌پردازند. اگر تحریر آوازی موسیقی مان را در دنیا یگانه بدانیم– که چنین نیز هست– اما تحریرهای تصنیفی فقط از نظر جنس و بافت مختص موسیقی ایرانی هستند، به علاوه عواملی چون نوع تلفیق و در نظر گرفتن مولفه‌هایی چون ریتم‌های بومی. چرا که تحریرها در ترانه‌های موسیقی بسیاری از ملل دیگر به شکل‌های گوناگون حضور دارند؛ از موسیقی عربی، استانبولی و آذربایجانی که تحریرهای خوانندگان آنها نزدیکی بیشتری به آواگران ما دارند، گرفته تا خوانندگان موسیقی اسپانیولی و آمریکا و اروپای لاتین که از تحریرهای خاص آنها در موسیقی پاپ ایرانی نیز گزیده‌برداری می‌شود. در نوع اخیر که به آن غلت یا تریل (trill) گفته می‌شود، خواننده نثی را پشت سر هم و پیوسته اجرا می‌کند و به آن سرعت می‌بخشد. ضمن اینکه اجرای تحریر و غلت– از هر نوعی – جزء تکنیک‌های گرم‌خوانی در آوازهای بیشتر ملل و مشخصه کار هر خواننده به‌شمار می‌روند. (جالب اینکه هم غلت در آواز ایرانی وجود دارد و هم تحریر در نوعی از آواز پاپ ایرانی) البته کم نیستند خوانندگان مختلفی در دنیا که کلام را به صورت ساده و بدون غلت و تحریر و حداکثر با تاکید و آکسان روی بعضی حروف و کلمات اجرا می‌کنند.

□

امروز در دوره رنگ باختن جلوه‌های مختلف هنرهای سنتی تحریرهای آوازی ایرانی نیز در حال شروع دوره‌ای جدید از حیات دیرین خود هستند.
گاه در محال دیده می‌شود که هنگام اجرای تحریر توسط یک آوازخوان جوان‌ترها و نسل سومی‌ها کنج‌کاوانه به او می‌نگدند، اگر بتوانند رودریاستی را به‌کناری بپنند، از بزرگ‌رها فلسفه تحریر دادن خواننده را می‌پرسند. بر صاحب‌دلان پوشیده‌نیست که تحریر مانند نقش‌های قالی، کتش‌ها و حرکات دست خوشنویسی و رنگ‌آمیزی‌های مینیاتور ایرانی جزئی مهم از هنر ایرانی به‌شمار می‌رود. اما همچنان که بیگانگی نسل جدید با جلوه‌های پرازش تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم نیز چندان عجیب نیست، پس چندان باعث شگفتی نخواهد بود اگر در آینده دور یا نزدیک موسیقی دنیای مدرن به تحریرهای ایرانی نیز ناخنک بزند و از آنها در جایی از مناسبات خود بهره‌برد؛ درست مثل تحریرها و غلت‌های موسیقی دیجیتال. با این وجود تحریر ایرانی مثل رنگ گل‌های قالی، همیشه ایرانی خواهد ماند.

اندیشمندانی چون حکیم سیداسماعیل جرجانی، ابوسلیم گرگانی، عبدالقاهر جرجانی، قابوس‌بن وشمگیر، میرداماد، فخرالدین اسعدگرگانی، ابوسهل سیحی، مختم‌قلی فراغی و . . . است، اقلیمی که هر چشم اندازش فراخانی نگاه را می‌نوازد و هر نوازنده‌ای را طریخی نو در دل می‌اندازد. فرزند خلف این سرزمین، پس از سلوک در پیچ و خم‌های هنر صوتی کلاسیک ایران نزد استادان برجسته زمان خود، بعدها به مقامی رسید که تصورات انتزاعی موزیکالیت‌اش، جان شونده را با عالم معنا پیوند می‌زد، یک هجوو رشحات، که جادویی در قالب آهنگ‌های غیردیرتوز ایجاد کند، امروزه در هزار تومار نهور و زنگار بسته زندگی مدرن مدفون است و آن آفسونی که استادان ساز مجربصدای خان، سماع حضور، آقا‌حسین قلی و آواز سیداحمدخان و اقبال آذر و . . . که تباین دل‌های منور و صیقلی بوده‌است، روایت می‌کنند را چشم در راهیم همه هنگام. . . !!

چنین وجودی، در سینه‌کش شکوفایی آثار فاخر ایرانی، جلی وطن رنگ یک نسل را از وجود خویش مححورم ساخت!! دلیل آن شاید جرمیت و مطلق‌گرایی بعد از تحول موسیقی جدی ایران بر آمده‌است که نباید و نگهداری بی‌رق و غلاء‌وی در طول این سال‌ها آن کرد که نباید و نگهداری بی‌رق موسیقی جدی ایران بر زده‌معدودی تا هم مکتبی‌های وی قرار گرفت. از آن جمله‌اند استاد عبدالمجید کیانی که سهم بزرگی در انتقال رپرتوار موسیقی دستگاهی به نسل حاضر، پژوهش، تألیف آثار و حفظ شأن حکیمانه و عالمانه موسیقی ایرانی دارند مجذوب مخاطب شده عام‌ترین سلیقه را در نظر گرفته عمومیت می‌بخشد و در نتیجه تأثیرگذاری موسیقی جدی و هنری، به مراتب پیچیده‌تر خواهد بود. و اینکه؛ محمدرضا لطفی رجعت کرده‌است، رجعتی دیگر. . . با روحی قلندرانه و شخصیت قدرتمندی که از وی سراغ داشته، امیدواریم، فرانسویون ناب موسیقی ایرانی که روایت هزاره‌ها است و حدود دیوار باورهای نظام درونی ما را مشخص می‌کند را قلاشانه‌پشتینانی

کند و همپیش این کاروان را چنان برگرده مرکب آن بنوازد تا این نسل شسته به فرهنگ و هنر ایران زمین، به سرچشمه زلال مقصودرسیده، سیراب شود، پس وجودش را ارج نهمیم و دور شمع وجودش گردانیم، باشد که حضورش را بیشتر درک کنیم.

نگاه منتقد

ضرباهنگ‌دستان در فضای کاخ نیاوران

بی‌بی‌سی: گروه موسیقی دستان که دو سال قبل بدون خواننده در کاخ نیاوران برنامه داشت، این بار با خواننده‌ای جوان به مدت چهار شب، از ۲۸ تا ۳۱ تیر در این مکان به اجرای برنامه پرداخت. کنسرت گروه دستان در بخش های متعلقات شور، دستگاه هماپون و نغمه بیان اصفهان اجرا شد. در بخش اول قطعاتی از ساخته‌های حسین بهرورزی نیا، آهنگساز و نوازنده بریط گروه و حمید متبسم نوازنده تار و از بنیانگذاران اصلی گروه دستان در اوایل دهه هفتاد، به اجرا درآمد. در بخش دوم به کا خوانندگی سالار عقیلی همراه بود، قطعاتی از ساخته‌های سعید فرج پوری (آهنگساز و نوازنده کمانچه) اجرا شد. آغازگر برنامه مقدمه ساخته حسین بهرورزی نیا بود در مایه ابوعطا، که در ادامه به چهار مضراب چهارپاره ختم شد. در ادامه سه قطعه از ساخته‌های متبسم با عنوان‌های چهارمضراب، قطعه بیداد، و پرواز خیال با هماهنگی مطلوب گروه اجرا شد. بزرگی مهم گروه دستان در اجرای حرفه‌ای و هماهنگ قطعات است که از پختگی و تمرینات فشرده و طولانی گروه حکایت می‌کند. محمد موسوی نوازنده صاحب‌نامی که از جمله تماشاگران شب دوم این برنامه بود گفت‌وگویی با من گفت که به رغم آنکه گروه فرصت چندانی برای این اجرا نداشته‌اند (تنها یک ماه)، اما انتخاب قطعات، هماهنگی و تکنیک مثال‌زدنی تک تک اعضای گروه، اجرای آنها را کیفی و از نمونه‌های درخشان یک اجرای حرفه‌ای تراز بالا در موسیقی سنتی ایران قرار داده‌است. بخش دوم اجرا با حضور سالار عقیلی گرم‌تر شد تا نشان دهد که خواننده و شعر از ارکان جدایی‌ناپذیر موسیقی ایرانی است و استفاده بجای از آن می‌تواند ظرفیت‌های بالای این موسیقی را به نمایش بگذارد. سالار عقیلی که سال گذشته با ارکستر ملی هم برنامه‌هایی را اجرا کرده بود، کار خود را با تصنیفی در مایه اصفهان آغاز کرد، تصنیف حال خونین دلان که بر شعری معروف از حافظ تنظیم شده بود. پس از آن مقدمه‌نوازی گروه آغاز شد و در میانه نیز عقیلی به خواندن آواز به همراهی گروه پرداخت. صدای عقیلی در قطعه‌های بم هویتی مسدود دارد، اما در اوج و نیز تحریرها، از صدای شجریان متأثر است که تقلید از آن به ستنی در میان آوازخوانان نسل امروزی تبدیل شده‌است. تصنیف کشت دل (شعر سولتان)، شمع جان (شعر عطار)، تصنیف ساعر (حافظ) و نیز قطعات سرمست و انتظار از جمله قطعات و تصنیف‌های بود که در بخش دوم به اجرا درآمد. تمامی قطعات این بخش را سعید فرج پوری نگاشته‌است که تنها عضو ثابت ساکن ایرانی این گروه است. بقیه اعضای این گروه در اروپا و آمریکا ساکن هستند. گروه دستان به استفاده از ظرفیت‌های نهفته سازهای ایرانی شهره‌است و در همین اجرا نیز بخش‌هایی از این توانایی‌های خود را به نمایش گذاشت. این توانمندی و ابتکار در سازهای کوبه‌ای و نواخته‌های حمید متبسم بیشتر خود را بروز داد، به خصوص که متبسم در این اجرا از پرده‌هایی از سیم‌های بم استفاده کرد که تاکنون کمتر نوازنده‌ای در اجراهای عمومی از آن بهره برده‌است. آنچه اما کار گروه دستان را از سایر گروه‌های ایرانی متمایز می‌کند، بخش کوبه‌ای آن است که با نوازندگی پژمان حدادی و بهنام سامانی اجرا می‌شود. این دو ظرفیت‌های نهفته سازهای کوبه‌ای ایران را به تماشا نهند. اجرای این دو نوازنده به قدری در گروه دستان تأثیر گذار است که حمید متبسم در گفت‌وگویی با نگارنده بر این نکته تأکید کرد که برخی از ایده‌های مولدیک را در فضاهای ریتمیکی اخذ می‌کنند که این دو نوازنده به خصوص پیمان حدادی خلق می‌کنند. اجرای گروه دستان با استقبال علاقه‌مندان موسیقی همراه بود و هر شب نزدیک به ۱۸۰۰ تن از این اجراها دیدن کردند. پس از اجرای گروه شجریان در پاییز سال گذشته این مهمترین کنسرت موسیقی ایرانی بود که توانست مجوز اجرا بگیرد. قرار است گروه کمانک‌رها نیز با پایان تابستان کنسرتی در همین مکان داشته باشند، اما هوشنگ کامکار (سرپرست گروه) در گفت‌وگویی با ایسنا گفته‌است که هنوز موفق نشده‌است برای اجرا در این مکان مجوز ارشاد را دریافت کند. کنسرت گروه دستان هم که قرار بود پس از اجرای تهران در شهرهای تبریز، اصفهان، شیراز و کرمانشاه کنسرت برنامه داشته باشند، به دلیل آنچه که سعید فرج پوری فرصت کم برای دریافت مجوز از تهران (اجرای موسیقی در شهرستان‌ها ممنوع به‌مجزو تهران است و چون ما برای گرفتن مجوز مشکل داشتیم، آتقدّر دیر شد که دیگر فرصتی برای این کار نماند. « صدابرداری کار اگر چه در شب‌های دوم و سوم و چهارم مطلوب و موردپسند بود، اما در شب اول از کیفیت خوبی برخوردار کرد. گروه دستان از سال ۱۳۷۰ کار خود را با خوانندگی زنده‌یاد ایرج بسططامی آغاز کرد و در این مدت با خوانندگانی چون یژن کامکار، شهرام ناظری و پریسا هکباری داشته‌است. با آلبوم بامداد این گروه را بسیاری، تحولی در موسیقی ارکسترال ایرانی می‌دانند که توانست طعم و رنگی تازه را وارد فضای موسیقی ایرانی کند. استفاده از سرعت و ضربه‌انگ با نیز روایتی امروزی از گوشه‌های موسیقی نواحی ایران ازجمله ویژگی‌های این گروه شناخته شده‌است که شهرت و اعتبارش در غرب بسی بیشتر از داخل کشور است.

توضیح: چهارشنبه گذشته گزارش درباره گروه دستان در همین صفحه منتشر شد که منظور نویسنده از جمله «ما نشته هسبیم و ای کُل آلود راضی‌مان می‌کنند» اشاره به فضای راکد و بی تحرک موسیقی بوده‌است.